

بررسی تصویر و هماهنگی آن با موقعیت داستان در خسرو شیرین نظامی و شیرین و خسرو امیر خسرو دهلوی

الیاس نورایی استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی

nooraieilyas@yahoo.com

نوشین صادقی میان رودی؛ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

گلرخ کیانی؛ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

چکیده

صورتخیال یکی از شگردهای سخن سرایی در ادبیات است. هرچه اثری دارای تصویرهای بدیع شگرف و لطیف تر باشد نشانگر قدرت خالق آن اثر در سخن سرایی می باشد. نظامی یکی از استادان بی بدیل تصویرآفرینی است که در این نوشتاریکی از آثار او بانام خسرو و شیرین با یکی از آثار امیر خسرو دهلوی با نام شیرین و خسرو از لحاظ تصویرآفرینی و هماهنگی تصاویر با موقعیت داستان مورد بررسی قرار گرفته است و با استناد به اثر هر دو شاعر به این نتیجه رسیدیم که نظامی به میزان فراوان تری از تصویر استفاده کرده و در جریان داستان دچار زیاده روی و حتی گاه حشو در تصویرآفرینی در بیان اتفاقات و پرداختن به جزئیات در صحنه ها و اتفاقات شده است اما امیر خسرو کمتر از تصویر استفاده کرده است و به جزئیات نپرداخته است و دست به بیان داستان با صراحت و وضوح زده است و با توجه به تفاوت بیان هر دو شاعر نوع استفاده هر کدام از صورتخیال باعث تفاوت در جذابیت اثر آنها شده است. با توجه به نوع تشبیه، استعاره و صورتخیال مورد استفاده هر دو این نتیجه به دست می آید که هر دو پدیدآورندگان هستند.

واژگان کلیدی: تصویر، صورتخیال، نظامی، امیر خسرو دهلوی، موقعیت،

۱. مقدمه

بیان احساسات و عواطف به طریق هنری باعث کشف جهان درونی هنرمندی شود. یکی از ابزارهای بیان هنری واژه و کلام است. واژه در کارکرد معمولی خود تنها ابزاری ساده برای ارتباط است. اما وقتی در کارگاه ذهن خلاق شاعر و نویسندگان راه می یابد به پدیده ای هنری تبدیل می شود تا جهان بیرون و طبیعت از طریق خیال صورت می گیرد که حاصل تجربه و آگاهی در پدیده های طبیعی و جهان بیرون است (از آنجا که هر کس در خود تجربه های ویژه ی خویش را دارد طبعاً صورتخیال او نیز دارای مشخصاتی است و شیوه ی خاصی دارد که ویژه ی خود اوست) (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۲۱). تصویرپردازی رابطه ی میان بیان هنری و امور واقعی زندگی است که از طریق ایجاد هماهنگی و همانندی و مشابهت تضاد میان عقاید شاعر یا نویسنده با جهان خارج باعث بیان قدرتمندتر و دقیق تر اندیشه ی او می شود (تصویر در شعر مجموعه ای است از واژگان یعنی نشانه های زبان شناسیک شکل گرفته است که بیشترین معنای مجازی خود در کلیت شعر حضور می یابد) (احمدی ۲۱) که رولان بارت در کتاب لذت متن این لذت را «سرخوشی» می نامد. در این مقاله کوشش شده است که صورتخیال، تشبیه، کنایه، استعاره و مجاز در خسرو و شیرین نظامی و شیرین و خسرو امیر خسرو دهلوی از دیدگاه سازگاری تصاویر با موقعیت و جریان داستان مورد بررسی قرار بگیرد و به این پرسش پاسخ داده شود که هر کدام چه مقدار از تصویر استفاده کرده و چه مقدار به صورت هماهنگ و همسوی با جریان متن از تصاویر در راستای بیان عواطف و احساسات خود استفاده کرده اند و به چه صورت از قوه ی خیال خود کمک گرفته اند تا نیروهای ناشناخته ی ضمیر خود را برای دستیابی به افق های تازه برای بیان آلام خود به کار گیرند و این نیروهای

نیروهای ناشناخته چه مقدار باروالم منطقی داستان هم جهت و منطبق است. روش تحقیق در این مقاله به صورت تطبیقی و براساس نظریه ادبیات تطبیقی آمریکایی است که شرط تطبیق را صرفاً وجود زمینه های تأثیر و تأثر نمی داند و معتقد به بررسی های موازنه ای و مقایسه ای است این مکتب ادبیات تطبیقی را در یک چهارچوب تنگ محصور نمی کند بلکه افق های تازه و وسیعی را در برابر ادبیات می گشاید.

۱-۱- فرضیه ی تحقیق:

فرضیه ی این مقاله بر این استوار است که بعضی از تصاویر خلق شده در خسرو و شیرین نظامی هماهنگ با رویداد و روالم متن نمی باشد و در بیان صحنه ها دچار زیاده روی شده است ولی امیر خسرو از تصویر کمتری استفاده کرده است و شیوه ی سرایش امیر خسرو بیشتر شبیه حماسه است اما نظامی است

۱-۲- شیوه ی تحقیق:

شیوه ی تحقیق در این نوشتار به صورت کتابخانه ای و مطالعه ی اثر هر دو شاعری باشد

۱-۳- پیشینه ی تحقیق:

در خصوص صورخیال و تصویر آثاری از دیرباز تألیف شده است از جمله صورخیال در شعر فارسی شفیع کدکنی و بلاغت تصویر محمود فتوحی و متون بلاغت و صناعات ادبی استادهامی و... که ذکر همه ی آن ها از حوصله ی این نوشتار خارج است در باب صورخیال در آثار نظامی هم برات زنجانی اثری به همین نام دارد و مقاله ای به نام کاربرد تصویر در آثار نظامی و متن فرهنگی و مذهبی آن از ژان کلود بورگل به چاپ رسیده است. در باب صورخیال در خسرو و شیرین نظامی و امیر خسرو دهلوی تحقیقات پراکنده ای انجام گرفته است و مقاله ای با عنوان آویش های هنری امیر خسرو دهلوی از شیکه ربه چاپ رسیده است اما به صورت تطبیقی و بررسی کارکرد تصویر و هماهنگی آن با موقعیت در شیرین و خسرو دهلوی و خسرو شیرین نظامی تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است.

۱-۴- هدف تحقیق:

هدف این تحقیق ارائه شواهدی دال بر عدم همسویی بعضی از تصاویر در آثار متن از دو شاعر یا جریان منطقی متن و میزان استفاده هر کدام از دو تصویر سازی و زیاده روی در خلق تصویر است.

تحلیل و بررسی:

تصویرپردازی از عناصر اساسی است که باعث پردازش هنری می شود انسجام ساختاری هر اثر هنری به چگونگی پیوند عناصر و اجزای آن مربوط می شود و از آن ها و ترکیبات و تصویرهای هر اثر ادبی جزء عناصر اثر است هر چه پیوند اجزای بیشتر و دقیق تر باشد باعث دلنشینی و موفقیت اثر می شود پیوند چندسویه ی واژگان و تصویرهای ترکیبی هر اثر مثل قرارگیری کلمات در کنار هم از طریق طباق و تشبیه و استعاره و کنایه و مجاز باعث استحکام و انسجام متن و زیبایی هر چه بیشتر آن می شود هر چه تصویر سازی هماهنگ با شخصیت قهرمان و جریان سیال اتفاقات متن باشد تحلیل به کار گرفته شده در تصاویر، زیباتر و همسوتر به نظر می رسد. تحلیل، کلید ساختن فضاهای مجازی و زیبای شاعرانه است. پس هر قدر شاعر در به هم زدن عرف های دنیای معمول موفق تر باشد و ارتباط پایدار و همیشگی دنیای بیرون را با عناصر طبیعی اش برهم زندا ترا و لذت بیشتری را به مخاطب می دهد و ادبی تر است. به بیان دیگر (ادبیات فاقد ارتباطی پایدار چه مثبت یا منفی با زندگی است) (فرای، ۵۸) چرا که «اهمیت و زیبایی تصویر شعری در شگفتی و غرابت آن است و هر گونه تلاقی نامأنوس که در خیال ما میان پدیده ها رخ می دهد شگفتی زاست» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۲۱)

آفرینش این شگفتیها از طریق تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز، آرگانیسم، حذف، حسامیزی و... صورت و دوره ی اسلامی از شعر به عنوان «کلام مخیل» نام می برند چراکه شاعر مرز بین حقیقت و مجاز را با تمثیل خود می شکند که در هر دوره ای نوعی عدول از هنجار و نرم زبان معمول آن دوره است که بنا بر گفته ی شمیسا (انحراف از معیارهای متعارف زبان یکی از وجوهی است که به آثار، تمایز سبکی می دهد و به تأثیر بلاغی آنها شدت می بخشد) (شمیسا، ۱۳۷۸: ۳۲) و باعث دست یافتن به نتایج حاصل از اندیشه و عواطف و نگرش خالق اثر به جهان و زندگی است چراکه قوه تخیل محل تکوین خلاقیت ها و عالم ناب روح است در ادامه به بررسی صورخیال و مقایسه ی آنها در اثر شاعران مورد نظر در این نوشتار می پردازیم.

۱- تشبیه:

تشبیه اولین گام در تحلیل و پله ی تکامل، سیر، تصویرسازی در ذهن انسان بدوی تا انسان امروز می باشد. بی شک وقتی انسان اولین تصویرهای ساده و ابتدایی را ساخت در نظر مخاطبان و خودش بسیار بدیع و جالب بوده است. هرچه ابداع در تشبیه شگرف تر باشد از لحاظ زیبایی شناختی هنری تر است و اصولاً معنا سازی در زبان بوسیله ی تحلیل در تشبیه صورت می گیرد اما به ادبیات که می رسیم باز هم به عرف های مختلف برمی خوریم لیکن این بار متوجه می شویم که عرفیت آن ها معمول خونگرفتن ما بدانهاست (فرای، ۱۳۶۳: ۵۳) بی شک نظامی از استادان صورخیال و ابداع در ادبیات می باشد و نباید قول شمیسا در سبک شناسی شعر (یکی از نکات قابل توجه در سبک نظامی این است که او عمدتاً به داستان پردازی و بیان عواطف و احساسات توجه داشته و عمر خود را در سرودن منظومه های داستانی که در ایام کهن حکم رمان امروزی را داشت سپری کرده است) (شمیسا، ۱۳۸۲: ۱۶۱) در خسرو و شیرین نظامی اولین نکته ای که توجه را جلب می کند زبان تصویری نظامی است و ادبیات متن به بازسازی صحنه ها به زبان تصویرهایی است که کمتر قابل تصور است (نظامی درک کرده است که تأثیر و نیروی القای صورخیال در صورت تکرار نقصان می یابد و لذا برای تقویت بیشتر نیروی تأثیر صور شناخته شده کوشش کرده و ذهن و قاد و قدرت بی نظیر این حکیم بزرگ نمونه های تازه و جالبی ساخته است) (زنجانی، ۱۳۷۷: ۲۱)

از جمله تصاویر نو و زیبای نظامی تشبیه دل خسرو به زرامیخته شده به مهتاب:

دل خسرو بر آن تابینده مهتاب چنان چون زرامیزد به مهتاب

و اضافات تشبیهی مثل: الماس مژه، ادیم رخ، اصطرباب حکمت و... است. نظامی از انواع تشبیه استفاده کرده است از جمله حسی به حسی مثل:

تو آن خورشید نورانی قیاسی به هر مترل که مشک افشان کنی راه

(۸-۲۵)

می چون آتش اندر جام چون آب که مشرق تا به مغرب روشناسی

(۲-۳۸)

خدایش تیغ نصرت داده در جنگ بدست ساقی روشن چو مهتاب

(۲۵-۲۳۲)

نمونه تشبیه های حسی به حسی نظامی بسیار فراوان است که ذکر همه ی آن ها در این نوشتار نمی گنجد از جمله تشبیه چهره به شمع پرتاب یا خسرو به سرو، سخن به آب و زبان به تیغ هندی و... تشبیه های عقلی به حسی هم به میزان فراوانی در خسرو و شیرین وجود دارد از جمله پند-اقلیم معانی-چشمه ی جوشان-سپهر دولت-دریای جود-ملک جوانی-پلاس ظلمت و طغاشاه سخن و شادروان عزت و دریای فضل و درج دولت و...

کر آهن نقش داند بست بر سنگ خدایش تیغ نصرت داده در جنگ

(۱۰-۱۱)

همه وقتی پنداشتم تو را یار همه جایی ترا خوانه ام وفادار

(۱-۳۱۵)

سخن پولادکن چون سکه ی زر
بدین سکه درم راسکه می بر
(۱-۳۰)

تشبیهات عقلی به حسی بیشتر به صورت ترکیب اضافه درآمده است مثل سریرشروع و شراب شوق و... نظامی بسیار از جلوه های طبیعت کمک گرفته است و گاه در تشبیه هایش تعدد وجه شبه داریم و اکثر تشبیه هایش رایشعرا ی قبل از او هم آورده اند و معروف و مشهورند اما نیروی تأثیر نظامی در تشبیهات بیشتر است و اکثر تصاویر مثل امیر خسرو ساده و روشن و دارای چهار جزء تشبیه است. نظامی از تشبیه های مرکب و مضمر و وهمی هم فعل تشبیه مفرد... همه استفاده کرده است. امیر خسرو هم در شیرین و خسرو از تشبیه استفاده کرده است ولی شعرا و بدون ابهام و دارای زبان ساده و مملوس تراست و تشبیهات و استعارات کمتری دارد و در جریان داستان از آن ها استفاده کرده است اما او همانند نظامی به وصف جزئیات پرداخته است و از تشبیه حسی به حسی بیشتر استفاده کرده است هر چند مثل نظامی در مناجات و مدح ها از نوع عقلی به حسی هم استفاده کرده اما بیشتر تشبیهات او از نوع حسی به حسی است که مثل:

چو خورشید اربدان سرا تابد از دور
همه نور اکمال بخشد از نور

(۲۵-۲۶۹)

امیر خسرو در حکایت کلاهدوز داستان را بدون استعاره و با زبان ساده و بدون پیچیدگی و تصویر شروع کرده است و تشبیه کمتری دارد اما از تشبیه مضمر استفاده کرده و در مورد کتاب خود می گوید:

عجب نبود گراز کاویدن سنگ
گرامی گوهریم آید فرا چنگ

(۹-۲۵۸)

به کار آرم کنون طبع گهر ریز
بکان کندن کنم پولاد را تیز

(۸-۲۵۸)

که منظور از گرامی گوهر شعرا ی امیر خسرو از تشبیهات عقلی به حسی مثل شراب شوق و تشبیه دو کون به گل در باغ باران عنایت-توقیع کرم و... استفاده کرده است. هر دو شاعر در جریان داستان ها بیشتر از نوع تشبیه حسی به حسی استفاده کرده اند اما در مناجات نامه و آغاز عتاب و مدح ها هر دو از عقلی به حسی هم استفاده کرده است و شعرا ی نظامی چون (شعربینابین قرن ششم و مکتب آذربایجانی مبتنی بر آرایش کلام و اطناب است) (شمیسا، ۱۳۸۲: ۱۶۴) بنابراین از تشبیه، بیشتر استفاده کرده است و تشبیه مرکب هم از جمله تشبیهات پر کاربرد نظامی است از جمله:

چو پیش تخت شد نالد غمناک
به رسم مجرمان غلتید بر خاک

(۴-۴۵)

هر آن مویی که از زلفت نهفته است
بر او ماری چون قیر خفته ست

(۹-۲۳۳)

و از تشبیهات بلیغ نظامی به چند مورد اشاره می کنیم:

چو سیم مرغ بودم درین باغ
گرم بلبل کنی کنیت و گرز اغ

(۸-۲۳)

بدین شمیر هر کوفار کم کرد
قلم شمیر شد دستش قلم کرد

(۸-۱۳)

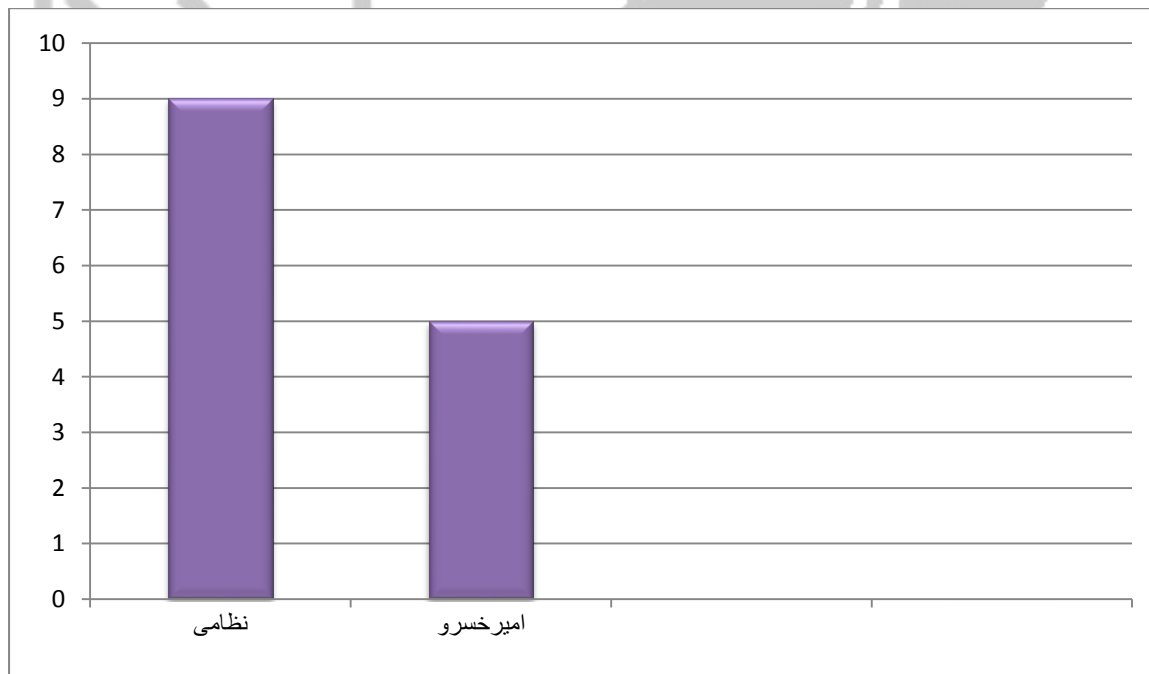
از آنجا که هر دو شاعر قصدشان داستان سرایی است بنابراین از نوع تشبیه محسوس به محسوس و معقول به محسوس برای توضیح روشن و فهم بیشتر مخاطب استفاده کرده اند که نشان دهنده ی برون گرا بودن آن هاست. اما نظامی در روال داستان گاه دچار زیاده روی در توصیف و تصویر سازی می شود حتی خودش هم تذکر می دهد که باید دست از توصیف بردارد و به جریان داستان باز گردد. نظامی ابیات متحد المضمون زیادی دارد و خودش در خطاب به بخت بلندش می گوید:

به حشوی چندم آتش بر می فروز
(۷-۳۸)

به عنوان مثال در آغاز داستان خسرو و شیرین تصاویر متعدد در یک بیت دارد که بیانگر تسلط بی نظیر او بر زبان است
مثل:

فلک جو جوشده در زیر پایش فلک راجوبه جو پیموده رایش
(۶-۴۲)

نظامی برای توضیح بحث های دقیق در نظام هستی و آفرینش از تشبیه کمک گرفته است و در این مباحث تشبیهات صریح کم تر بکار برده و بیشتر از استعاره استفاده کرده است و حتی در مدح های خود هم نام ممدوح را نیاورده و از تشبیه و استعاره استفاده کرده است مثل تشبیه مظفرالدین قزل ارسلان به نسیم صبحگاهی و... و در تشبیهات مضمر او هم اگر ابیات را جدا جدا مطالعه کرد نمی توان تصویر آفرینی زیبای آن را دریافت و کلیه ی تشبیهات او در جریان متن بسیار زیبا و دلنشین با متن آمیخته است. نظامی در توصیف غروب آفتاب در عشرت خسرو پرویز چهار بیت در یک موضوع دارد و گاه سه بیت یا چهار بیت در وصف طلوع صبح یا غروب گفته است و یاد خواب دیدن خسرو انوشیروان تمام جزئیات را وصف می کند و در مورد بیان زیبایی شیرین و شکر تمام جزئیات را می گوید و چهل و هفت بیت تنها در وصف جمال شیرین دارد و این زیاده روی در تصویر سازی در تمام خسرو و شیرین نظامی مشهود است و اغلب اسامی و موصوف ها را همراه با وصف می آورد مثل: شاهانه تخت- زرین درخت- شوریه بخت- قلمزن چابکی- صورتگر؟ اما امیر خسرو تشبیه و تصویر سازی کمتری دارد و گاه چندین بیت او برخلاف نظامی بدون تشبیه و تصویر است و فقط دست به بیان روایی و داستان سرایی زده است و از مدح ها آغاز عتاب مثل نظامی بیشتر از نوع معقول به محسوس استفاده کرده و در جریان داستان از نوع حسی به حسی، بنابراین در فضای روایی داستان تشبیه های امیر خسرو و مقدار آن منطقی تر است و نظامی بیشتر به بیان جزئیات پرداخته است تا امیر خسرو. و همین نکته باعث شده است که خواننده در شعر گاهی احساس لذت بیشتری برد و سرگرمی و کاوش در ذهن خواننده بیشتر است اما امیر خسرو ساده تر و با لطافت کمتری دست به بیان زده است.



نمودار ۱: تشبیه

۲- استعاره:

استعاره قراردادن واژه در معنای غیر معمول و غیر قراردادی است و فهم این معنا وابسته بر پیوند بین لفظ و معنی است. اگر واژه ای در معنای قراردادی اثر به کار رود حقیقت والا مجاز است (عقدایی، ۱۳۸۱: ۱۱۶) و تشخیص اینکه واژه

ای مجاز است یا خیر از طریق قراین معنوی و لفظی امکان پذیر است و در اصطلاح استعاره (مجازی مبتنی بر تشبیه است که در کلام بر محور جانشینی ظاهری شود) (عقدایی، ۱۳۸۱: ۱۲۲) و بنابه گفته دکتر کزازی (استعاره دامی است تنگ ترونهان ترا تشبیه که سخن ورد برابر خواننده یا شنونده ی خود می گسترد از این روی پروردگی هنری و ارزش زیبا شناختی آن از تشبیه افزونتر است) (کزازی، ۱۳۶۸: ۹۴)

از آن جا که هر شخصی در جهان تصویری خود زندگی می کند و رابطه ی جهان درونی او با جهان خارج همواره بر تصاویر ذهنی او تأثیر می گذارد با آشکار کردن احساسات و افکار خود به وسیله ی تصاویر سعی دارد بین احساسات جهان مادی ارتباط برقرار کند و یافته هایش را برای دیگران ابراز کند. نظامی از جمله شاعرانی است که با خلق استعاره های زیبا باعث زیبایی اشعارش شده است و اکثر تشبیهای حسی به حسی او به استعاره تبدیل شده است که باعث ابهام و جذابیت اثر او شده است که بنابه گفته ی کزازی (شعر آنگاه که می پیراید ناب ترومینوی ترمی شود که به موسیقی فرا میرود) (کزازی، ۱۳۶۸: ۹۴) و نظامی به حق که سخن را در حداعلای خود پیراسته و به جای بیان ساده از استعاره و تشبیه لذت بخش استفاده کرده است و استعاره در حقیقت همان تشبیه است که ارکان آن حذف شده (ویکی از برتریهای استعاره بر تشبیه علاوه بر ایجاز این است که در تشبیه ادعای شباهت است در استعاره ادعای یکسانی) (شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۵۵) از جمله استعارات نظامی عبارتند از:

چرا گشتی در این بیغوله پابست
چنین نقد عراقی بر کف دست
(۳۷-۹)

عروسی را بپروردم به جانش
مبارک روی گردان در جانش
(۴-۶)

نظامی به شیرین ماه و خسرو و به خسرو خورشید می گوید و در جریان داستان به طور مستقیم حتی از ممدوح هم اسم نمی برد و با استعاره سخن پردازی می کند و در آغاز داستان به های خود از طلوع خورشید و آغاز صبح بازبان استعاره و به صورت اضافه ی استعاری استفاده می کند مثل: لعل به جای لب- نرگس به جای چشم و آفتاب به جای چهره و خایه ی زر به جای خورشید و...

زرشک نرگس مستش خروشان
به بازار ام ریحان فروشان
(۵۲-۲)

می سرخ از بساط سبزه می خورد
چنین تاپشت بنمود این گل زرد
(۴۳-۱۰)
ز ماهش صد قصب رارخنه یابی
چوماهش رخنه ای بر رخ نیابی
(۵۱-۳)

نظامی در کم ترین تصویری از استعاره استفاده نکرده است به همین دلیل ابهام بیشتری نسبت به امیر خسرو در شعر خود دارد و برای فهم بیشتر و درک زیبایی های شعر نظامی میباید به زبان استعاری او آشنا بود امیر خسرو هم از استعاره استفاده کرده است اما بسیار کم تر از نظامی

پی مکر مرا کز روی زیبا
پیدرسینه نگذارشکیبا
(۲۵۳-۲۴)

چو بر زبام دادن خازن چین
به درج گوهرین بر عقل زرین
(۷۳-۱۱)

اما بسیار واضح است که امیر خسرو هم مثل نظامی در آغاز داستان ها و در بیان شروع روز یا شب یا طلوع و غروب مثل نظامی از استعاره استفاده کرده است اما در صداستفاده ی نظامی از این صنعت بیشتر از امیر خسرو است. یکی از استعارات پر استفاده در نظامی استفاده ی مکینیه است که به مقدار بسیار فراوانی از آن بهره جسته است مثل ناف غربت است- خانه ی عشق- سخای ابر دیده ی خرد و...

چو طالع موکب دولت روان کرد
سعادت روی در روی جهان کرد
(۱-۱۳)

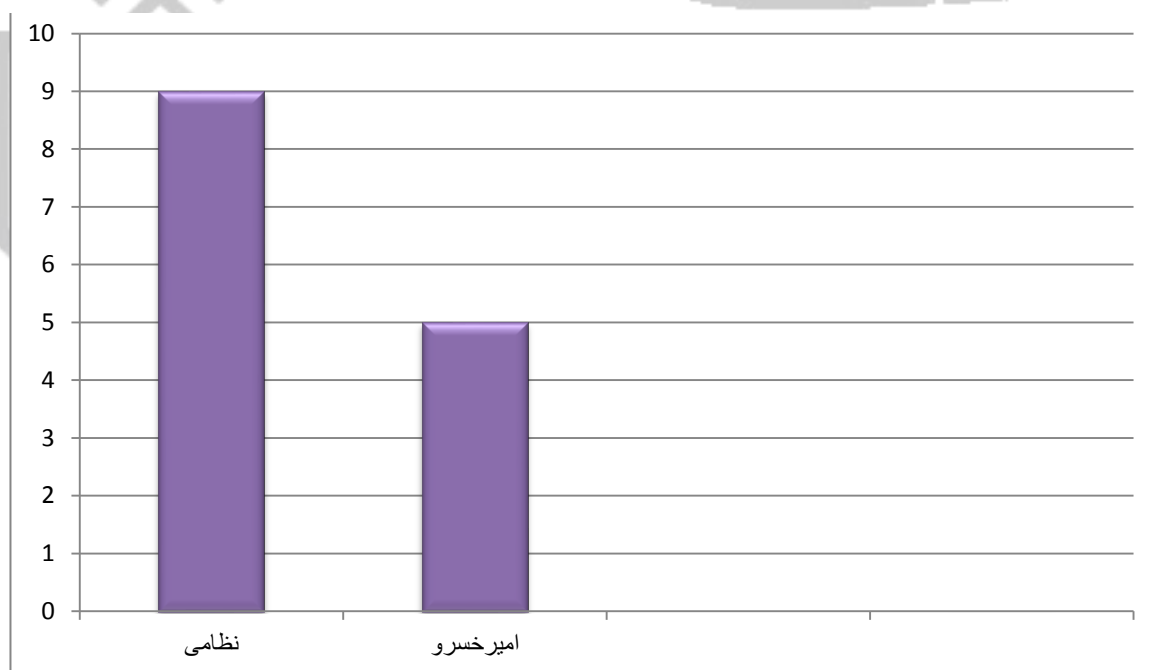
جهت شش طاق او بردوش درد
فلک نه حلقه هر در گوش دارد
(۱-۲۰)

امیر خسرو هم از استعاره مکنیه استفاده کرده است از جمله بازوی غربت-دامن عزت-دامن اسلام-دامن اندیشه-زلف شب...

سخن را بابقا آنگونه حدیست
که دامانش به دامن ابدیست
(۱-۲۴۶)

سپرده در جهان بی نیازی
ارادت را عنان کارسازی
(۸-۲۴۵)

امیر خسرو از شاعران سبک هندی است که ابیات او قابل فهم و ساده است و مثل گروهی از شاعران هندی که معرف به طرز خیال هستند نمی باشد و (ورابطه ی نستجیعی بین مصراع معقول و محسوس-تبدیل موضوع به مضمون-معتدل و لطیف است و بین ابیات به سبک قدما ارتباط برقرار است و شعر کم و بیش وحدت موضوعی یا ارتباط عمودی دارد) (شمیسا، ۱۳۸۲: ۲۹۲) بنابراین در متن داستان امیر خسرو کمتر از نظامی از استعاره استفاده کرده است و زبان او روایی تر است و شباهت تصویر آفرینی او با نظامی در آغاز داستان ها و استفاده از استعاره مکنیه در مورد خورشید و صبح و شب به علت تأثیر پذیری او از خسرو شیرین نظامی است.



نمودار ۲: استعاره

۴-مجاز:

(مجاز استعمال لفظ است در غیر معنی اصلی و موضوع له حقیقی به مناسبتی و آن مناسبت را در اصطلاح فن بدیع علاقه می گویند) (همایی، ۱۳۷۷: ۲۴۷) علاقه انواع مختلفی دارد از جمله (علاقه سبب و علاقه ی حال و محل و علاقه ی جزء و کل و علاقه ی مجاورت و ملازمت علاقه ی مشابهت و امثال آن) (همایی، ۱۳۷۷: ۲۴۹) از آنجایی که کارایی واژه ها محدود است برای خلق معانی جدید و بیان اندیشه های باریک و شگرف باید به یاری واژه ها دست به آزمایش هنری زد و مجازیکی دیگر از کلیدهای خلق تصویر است که نظامی و امیر خسرو در داستان زیبای خسرو شیرین هر دو از این صفت

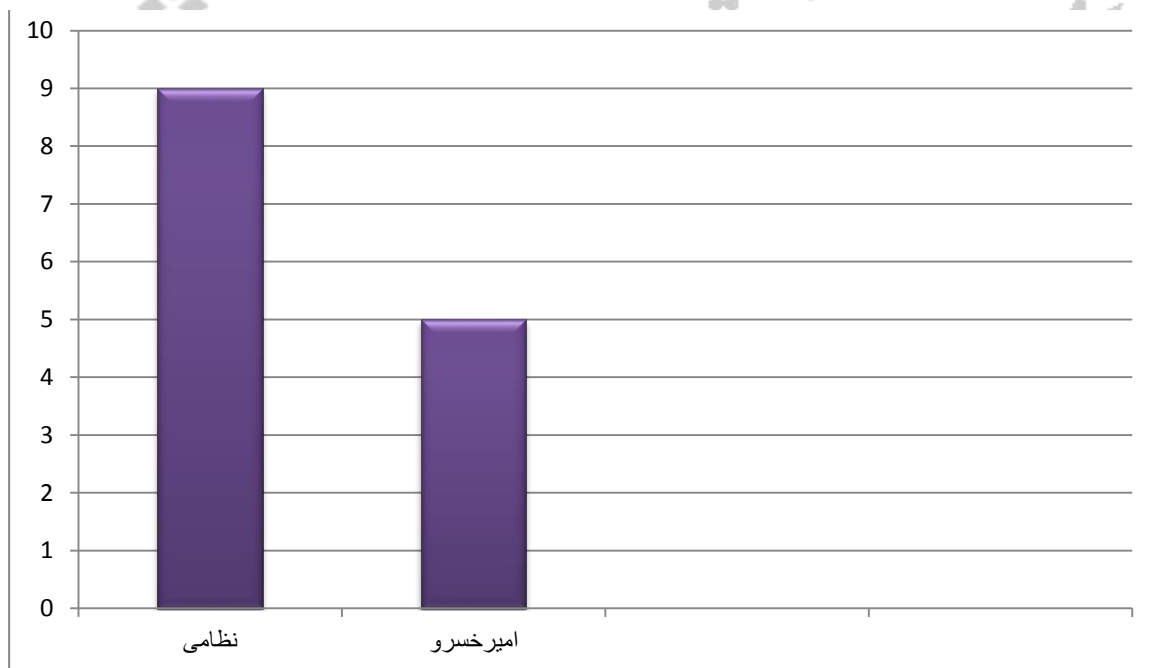
استفاده کرده انداما بنابر تصویرسازی بیشتر نظامی در خسرو شیرین به تبع از مجاز هم بیشتر از امیر خسرو استفاده کرده است از جمله:

مبادا کز سرش مویی شود کم (۱۰-۲۱)	جزاین یک سر ندارد شخص عالم
به عینه بابرادر همچنان است (۹-۲۹)	مراد شد که مقصود جهان برست
کز آن خندد که خندان جهان را (۱۶-۳۹)	نبینی آفتاب آسمان را
پدید آمد جهان را تندرستی (۵-۴۳)	چو شه در عدن خود نمدستی
جهان فریاد رستاخیز برداشت (۲-۴۶)	کفن پوشید و تیغ تیز برداشت

اکثر مجازهای به کار رفته ی نظامی از نوع حال و محل یا ظرف و مظهر است مثل جهان که مراد مردم جهان است که برای اغراق و غلو در جریان متن مورد استفاده قرار داده است. امیر خسرو هم از مجاز استفاده کرده است از جمله:

جهان را تانیا بدفتنه در زیر (۴-۲۴۶)	به بازوی شریعت داد شمشیر
زهی در ملک و دین پیروزی از تو (۱۵-۲۵۳)	جهان را طالع بهروزی از تو
ایاز آمد کرشمه ساز کرده (۱۰-۲۶۲)	جهانی نیمه کشت ناز کرده

نوع مجاز مورد استفاده ی امیر خسرو هم بیشتر از نوع حال و محل است ولی بیشتر نظامی از مجاز در تصویر آفرینی های خود استفاده کرده است امیر خسرو هم مثل نظامی به دلیل بیان اغراق در شعرش از این نوع مجاز بیشتر استفاده کرده است.



نمودار ۳: مجاز

۵- کنایه:

در اصطلاح دانش بیان کنایه عتارت است از (سخنی که دارای دو معنی قریب و بعید باشد این دو کلام لازم و ملزوم یکدیگر باشند سپس گوینده آن جمله را چنان ترکیب کند و بکاربرد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد) (همایی، ۲۵۶-۱۳۷۷، ۲۵۵). کنایه از صنایع پرکاربرد ادبیات است و این به کاربردن واژه، گروه یا جمله در معنای غیر قراردادی به شرط آن که اراده‌ی معنای قراردادی آن‌ها نیز مجاز و ممکن نظامی از کنایه همه مثل سایر متون صورخیال برای بیان مفاهیم و مقاصد هنری خود استفاده کرده است به عنوان مثال از آب در چشم آمدن فلک برای بیان زیبایی و خیره شده و شگفت زده شدن فلک استفاده کرده است.

چو قصد چشمه کرد آن چشمه ی نور
فلک را آب در چشم آمد از دور
(۹-۷۷)

و یا برای بیان افسردگی و شرمگین شدن از ترکیب کنایی «آب گشتن» و «یا ابگین» و «بر حرف انگشت نهادن» برای بیان عیب گیری و «بارخر» برای پرگویی استفاده کرده است عنایات فراوانی را نظامی به کار گرفته است که نشانگر تسلط او بر زبان و فرهنگ عامه‌ی روز، آن دوره و تصویر آفرینی است و نسبت به جریان داستان بجا و منطقی است چرا که زبان نظامی پر از ابهام و رمز و تصویرهای شگرف است و به زبان او آرایش خاصی داده است و کاملاً سازگار و همسوی با شیوه‌ی بیان است.

سمن کز خواجگی بر گل زدی دوش
غلام آن بنا گوش از بن گوش
(۲-۱۲۸)

مراد رکویت ای شمع نکویی
فلک بر پای افکنده ست گویی
امیر خسرو نیز از کنایه در تصویر آفرینی استفاده کرده است هر چند کنایات او به اندازه‌ی نظامی نیست اما به دلیل زبان ساده تر خود ترجیح داده است که کمتر از کنایه و ابهام استفاده کند از جمله کنایات امیر خسرو «دو در آوردن» به معنی کنایی ناپدید کردن است و استفاده کمتر امیر خسرو از کنایه کاملاً همسوی با بیان ساده و بی پیچیدگی اوست.

زهر حرفی فلک را کیسه پرداز
بهر کاری قضا را محرم راز
(۹-۲۵۰)

زهر شجده پیشش گاه و بیگاه
کلاه افکنده هم خورشید هم ماه
(۱۷-۲۵۲)
بلا و فتنه کاین هم خواب دارند
قضای عمر ماضی می گذارند
(۲۸-۲۵۲)

۶- اغراق و مبالغه:

شدت بخشیدن به صفات و مشخصات موصوف و اغراق در بیان زیبایی‌ها و زشتی‌ها یکی از رازهای زیبا تر جلوه دادن کلام است و (شاید یکی از دشوارترین مباحث زیباشناسی و هنر سیدگی به همین مسئله یا اغراق و صورت‌های زیبا و ناپسند آن باشد) (شفیعی، ۱۳۸۷: ۱۳۴) هر چند خیلی از صاحب نظران آن را پسندیده اند و آن را هنرنمایی دانند اما در هر صورت یکی از مباحث علم زیبایی شناسی بیان و صورخیال است و آن است که (در وصف کردن و ستایش و نکوهش کسی یا چیزی افراط و زیاده روی کنند چندان که از حد عادت معمول بگذرد و برای شنونده شگفت انگیز باشد) (همایی، ۱۳۷۷: ۲۶۲)، اغراق و مبالغه در میان زیبایی‌های شیرین و رشادت و خصوصیات اخلاقی خسرو و فرهاد و زیاده روی در بیان دلیری‌های قهرمان داستان در نظامی کاملاً مشهود است و مثل سایر تصویرسازی‌های زیبای خود از این هنریانی هم استفاده کرده است البته در مدح اغراق، بیشتر به چشم می‌خورد که کاملاً طبیعی است و قواعد و قانون مدح اغراق در بیان نکویی‌های ممدوح است که امیر خسرو و نظامی هر دو از آن استفاده کرده اند به عنوان مثال

نظامی درمدح ابوطالب طغرل ارسلان اوراسر سرافروز اقلیم معانی و ولایت گیرملک زندگانی و خداوند جهان
وسپهر دولت و دریای جود می نامد و یاد در ذکر خصوصیات بزرگ امیر می گوید:

زمین جو جوشده در زیر پایش فلک راجو جو پیموده رایش
(۶-۶۲)

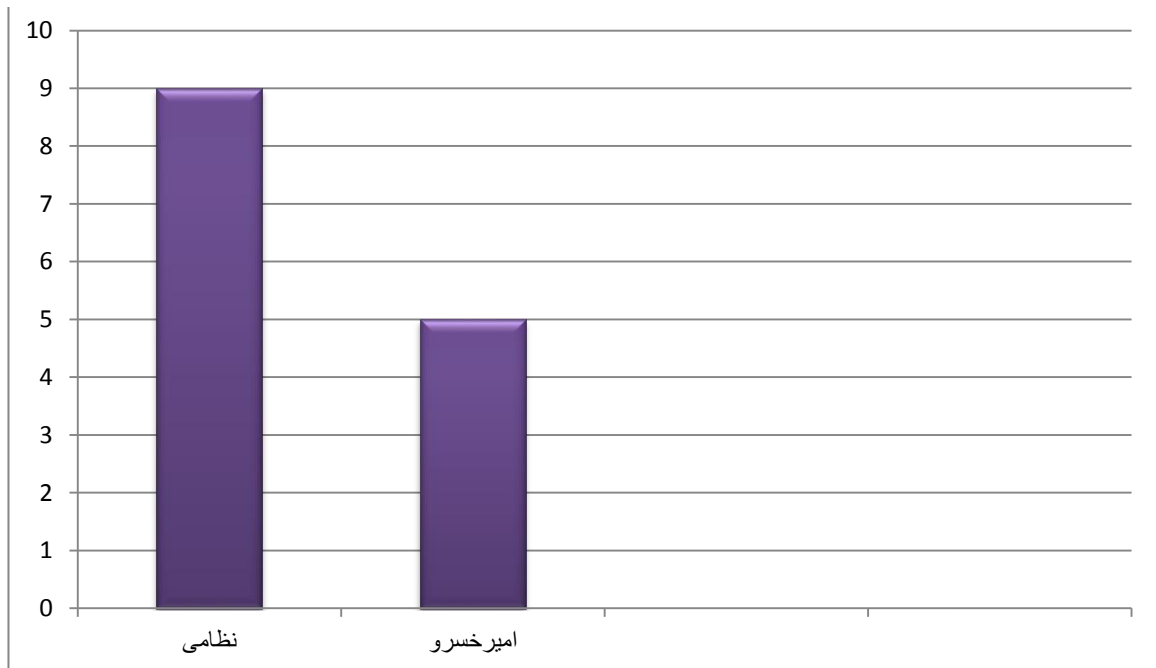
نظامی در توصیف صحنه های رزم یا وصف می بر بزم و در میان داستان به مقدار زیادی از اغراق و مبالغه بهره جسته
است از جمله:

به جست و جوی او بر بام افلاک دریده وهم رانعلین ادراک
(۱۴-۳)
به فتح هفت کشور سر بر آرد سر نه چرخ رادر چنبر آرد
(۵-۱۶)
گهی رانندسوی دشت مندور تهی کردند دشت را از آهو و گور
(۱۰-۱۴۰)

نظامی در وصف صبح و شب هم اغراق دارد و از استعاره برای اغراق های خود استفاده کرده است چراکه استعاره
ی ماه یا خورشید برای موصوف خود نوعی مبالغه در زیبایی است اما اغراق های نظامی بیشتر در مورد صفات ظاهری
و زیبایی ها و خصوصیات است و تصویف آفرینی های مبالغه آمیز در مورد بزم هاست و شعرش چون لطافت بیشتری نسبت
به امیر خسرو دارد رپس اغراق هایش هر چند زیاد است اما مطابق با شدت تصویر آفرینی اوست و حتی به دلیل اغراق است
که از مجاز و استعاره استفاده می کند و به جای مردم اندکی می گوید جهان! پدید آمد جهان را تندرستی! امیر خسرو هم
از صفت اغراق استفاده کرده است اغراق های او در توصیف صحنه های جنگ بیشتر از اغداق در مورد صفات ظاهری
است و اغراق هایی که در مورد صفات ظاهری دارد کمتر از نظامی است و در بیان صریح خود مستقیم به سراغ اتفاقات می
رود و از اغراق به مقدار فراوان استفاده کرده اما اغراق او مطابق با زبان و لحن تقریباً حماسی و روایی است اما نظامی
اغراق هایش هم جهت بالحن عتابی و عاطفی تر است. و از اغراق های امیر خسرو در بیان خصایل اخلاقی و ظاهری قابل
باور تر است تا نظامی چراکه نظامی حتی در بیان جزئیات هم اغراق می کند و به آن هاشاخ و برگ داده است و درمدح
و آغاز عتاب امیر خسرو همانند نظامی از اغراق استفاده کرده است و هر دو در فضیلت دادن به موصوف و ممدوح مبالغه
های مشابهی را آورده اند و چنانچه امیر خسرو در خطاب به زمین بوس می گوید: نشانت کوه را سوراخ کرد (۲۲-۲۵۳)
برخی از اغراق های امیر خسرو عبارتند از: کیمیای غیب در دست داشتن - گوش عطار دبا ز کردن - بند از دل دریا گشادن -
تیغ مثل میغ آهنین - جهان مثل مادران مطیع شدن و ...

کراماتش که بیش از ممکنات است به معنی تو آمان معجزات است
(۱۶-۲۵۰)
برش کز لطف چون در تیمست درونش آهن و بیرونش سیمست
(۲۶-۲۶۸)
از مهر بازویی ز آهن ستونی ز تیشه بیستون پیشش زبونی
(۲۲-۳۰۶)

امیر خسرو هم مثل نظامی از صنعت استعاره برای اغراق در تشبیه موصوف استفاده کرده مثل: نرگس - ماه - خورشید اما
در حالت کلی میزان اغراق های نظامی بسیار فراوان تر از امیر خسرو است و نظامی شدت بیشتری در اغراق به خرج داده
است.



نمودار ۴: اغراق و مبالغه

۷- تشخیص:

تشبیه اشیاء بی جان به جاندار یا قائل شدن صفات جانداران برای اشیاء بی جان نوعی تشخیص دادن یکی از عناصر تشبیه است که به آن تشخیص یا آنمیسم می گویند و (تصرفی است که ذهن شاعر در اشیاء و عناصر بی جان طبیعت می کند و از رهگذر نیروی تخیل خویش بدانها حرکت و جنبش می بخشد و در نتیجه هنگامی که از دریچه ی چشم او به طبیعت و اشیاء می نگریم همه چیز در برابر ما سرشار از زندگی و حرکت و حیات است) (شفیعی، ۱۳۸۷: ۱۴۹) استعاره ی انسان مدار یا تشخیص باعث پویایی و زنده شدن شعری شود و به عبارتی (نوعی اسناد مجازی و تصرف هنری در هستی است) (عقدایی ۱۳۸۱: ۱۵۶) آنمیسم با استعاره ی مکنیه نوعی تداخل دارد که در مبحث استعاره در مورد استفاده ی هردو شاعر از این نوع استعاره توضیح داده شد. در آنمیسم هر وقت خصوصیات جاندار به اشیاء بی جان نسبت داده می شود نوعی استعاره ی مکنیه است مثلاً وقتی به شب می گوئیم سیه زاغ پران استعاره مکنیه و به نوعی تشخیص است - نظامی - به میزان فراوان از این صنعت بیانی استفاده کرده است. مثل:

به سحری کاتش دلها کند تیز لبش را صد زبان هر صد شکر ریز

(۱۲-۵۰)

نشاید باد را در خاک بستن نه باهر آب آتش رانشستن

(۹-۲۰۵)

چو طالع موکب دولت روان کرد سعادت روی در روی جهان کرد

(۱-۱۳)

گرفتم هر چه من کردم گناه است نه آخر آب چشمه عذر خواه است

(۱-۱۳)

چو دانسته که دارد هر دیاری زمهر من عروسی در کناری

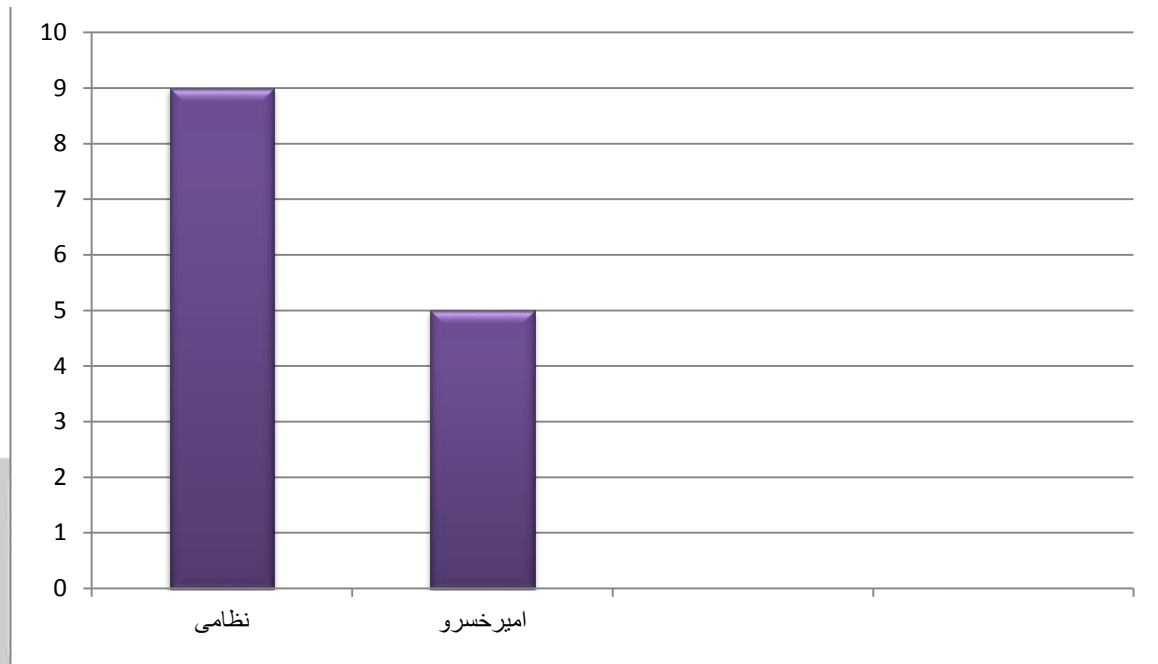
(۸-۴۴۵)

امیر خسرو هم از صنعت تشخیص استفاده کرده است و مثل نظامی در آغاز داستان ها و توصیف صبح و شب از استعاره مکنیه و تشخیص استفاده کرده است که در این مورد شباهت زیادی میان هردو شاعر از تصویر آفرینی ها وجود دارد:

چو صبح از پرده آه عاشقان کرد
 برون شعله گرم و دم سرد
 (۹-۲۴۷)

چو خندان گشت صبح عالم افروز
 زمابداد شب رامزده روز
 (۱-۲۹۳)

بنابردلایل گفته شده در مورد نوع بیان نظامی و امیرخسرویی شک میزان استفاده نظامی از تشخیص هم بیشتر از امیرخسرواست و نظامی از این صنعت بیانی هم مثل صنایع دیگر بیانی بیش از امیرخسرو استفاده کرده است.



نمودار ۵: تشخیص

نتیجه گیری:

سبک داستان سرایی نظامی و امیرخسرو با هم تفاوت دارد امیرخسرو بیشتر به حماسه نزدیک است و از تصویر آفرینی کمتر استفاده کرده است و به جنبه عبرت و پند و اندرز آن بیشتر توجه دارد چرا که (در شعر سبک خراسانی تصویرهای کوتاه و صریح و شفاف بسیار است یکی از مبانی زیبایی شناسی این سبک حسی بودن تصویر و شفافیت و شدت عینیت اشیاء است) (فتوحی، ۱۳۸۹: ۴۰۷) و شفافیت امیرخسرو نسبت به نظامی در تصویرسازی بیشتر است و سازگاری بیشتری در شیوه روایت داستان دارد و در توصیف بزم ها تصویر عاطفی و در رزم تصاویر خشن بکار برده است و از آنها که در جنگ حرکت وجود دارد و باید به سمت جلورفت و به جای پرداختن به جزئیات به کلیات پرداخت تصویرپردازی امیرخسرو با موقعیت رزم و بزم مناسب تر از نظامی است و نظامی همانند اقبال نامه و شرفنامه که از متون حماسی هستند اما خصوصیات حماسه را کمتر دارند در خسرو و شیرین هم بیشتر به جنبه ی عتابی و عاطفی توجه کرده است و در به تصویر کشیدن صحنه های رزم به جای پرداختن به اتفاقات مهم و صحنه های با اهمیت به جزئیات پرداخته است و باعث شده تا جنبه احساسی به اتفاقات خشن رزم بدهد و حتی از عباراتی استفاده کند که سازگار با فضای آن غریب باشد مثل استفاده از طره در بیت زیر:

به هندی تیغ هر کس را که دیدند
 سرش چون طره هندو بریدند
 (۳-۱۶۴)

و یا توصیف زبان شیرین به تیغ هندو که باروالت تصویرهای بزم و بیان زیبایی شیرین که باید عاطفی تر باشد سازگار نیست و زیاده روی در تصویرسازی شیرین که باید عاطفی تر باشد سازگار نیست و زیاده روی در تصویرسازی از جمله، سی بیت مشابه در مضمون و در رابطه با جنگ خسرو با بهرام چوبین اشاره به هماهنگ نبودن مضمون جنگ و حرکت و تصویرهای جزئی و بی اهمیت در کلیت داستان دارد و البته شاید خلق تصاویر متعدد از یک موضوع و شدت احساس در ابیات نظامی باعث جذابیت بیشتر آن نسبت به امیر خسرو شده است و با وجود این که این داستان توسط افراد متعدد به نظم کشیده شده است اما هیچکدام شهرت و جذابیت شعر نظامی را ندارد. اما توجه امیر خسرو به جنبه های اخلاقی باعث استفاده بیش تر از ضرب المثل شده است و گاه برای بیان هر مطلبی یک ضرب المثل آورده است اما ضرب المثل های نظامی در خسرو شیرین به صدمورد نمی رسد که نشانه دهنده زبان خشک و تعلیمی تر امیر خسرو است که هماهنگ با حماسه هم از جهت نمی تواند باشد چرا که حماسه باید روایت باشد نه آموزش و اخلاق و بیان نکات عبرت آموز و همین نکته باعث تمایز بین شعر حماسی و شعر امیر خسرو است. به عنوان مثال به چند نمونه از ضرب المثل های امیر خسرو اشاره می کنیم: نیامدن پادشاهی از گدایان - ترسنده نیاید هیچ کار - نیامیزد با هم روغن و آب و ...

چومان دلشکری بی توشه ناچار / به ناکامی شود بادشمنی یار

(۲۸-۲۸۲)

کسی کو ترسد از غوغای زنبور / بیند انگبین را لیکن از دور

(۱۶-۲۹۱)

امیر خسرو و نظامی هر دو برای القاء مفاهیم خود از تشبیه حسی به حسی و عقلی به حسی بیشتر استفاده کرده اند اما در صدا استفاده نظامی بسیار فراوانتر است و هر دو نشان داده اند که برونگرا هستند و توجه به عالم طبیعت و بیرون بیشتر است و هر دو نشان داده اند که برونگرا هستند و توجه به عالم طبیعت و بیرون بیشتر دارند تا جهان درون و از استعاره و کنایه و مجاز هم بیشتر از امیر خسرو استفاده کرده است و به گفته خودش تأثیر پذیری از نظامی داشته و به وضوح آن رایج کرده است.

نظامی چون سخن ناگفته نگذاشت / ز خوبی گوهر ناسفته نگذاشت

(۱۲-۲۵۸)

و حتی در جایهایی از ناپختگی خود در برابر نظامی اقرار کرده است. اما با وجود شباهت در بیان بعضی استعارات و تشبیه ها و آغاز داستان ها با استعارات مکنیه از شب و صبح، بیان متفاوتی را با نظامی دارد و از زاویه دیگری که بیان داستان به شیوه ی عبرت آمیز می باشد به نظم کتاب زده است و فرو تنی بیشتری در بیان فضیلت شعر خود نسبت به شاعران از جمله نظامی دارد می گوید:

نه در عالم همه خوش اختیار است / که زشتی نیز چون خوبی به کار است

(۲۵-۲۵۶)

اما نظامی با غرور و تکبر از شعر و اثر خود یاد می کند و خود آگاه است که یکی از استادان بی همتای تصویرسازی و خلق معنی است.

فلک را از سرخنجر زبانی / تراشیدی ز سرموی و معانی

(۱-۱۳)

منابع :

- ۱- احمدی، بابک، ۱۳۷۱ از نشانه های تصویری تا متن، چاپ اول، نشر مرکز - تهران.
- ۲- اشرفی، امیر محمد، ۱۳۶۲، تصحیح شیرین و خسرو امیر خسرو دهلوی، چاپ اول، نشر شقایق، تهران.
- ۳- حاجی حسین نژاد، غلامرضا، ۱۳۷۱، زیبایی شناسی تصویر، چاپ اول، نشر تربیت، تهران.
- ۴- حمیدیان، سعید، ۱۳۷۸ خسرو و شیرین نظامی، چاپ سوم، نشر قطره، تهران.

- ۵- زنجان، برات، ۱۳۷۷، صورخیال درخمسۀ نظامی، چاپ اول، نشرامیرکبیر، تهران.
- ۶- شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۷، صورخیال در شعر فارسی، چاپ هفتم، نشرآگه، تهران.
- ۷- شمیسا، سیروس، ۱۳۷۸، بیان، چاپ هفتم، نشرآگه، تهران.
- ۸- شمیسا، سیروس، ۱۳۸۲، سبک شناسی شعر، چاپ نهم، نشر فردوس، تهران.
- ۹- شمیسا، سیروس، ۱۳۷۸، کلیات سبک شناسی، چاپ پنجم، نشر فردوس، تهران.
- ۱۰- عقدایی، تورج، ۱۳۸۱، نقش خیال، چاپ اول، زنجان.
- ۱۱- فتوحی رودمعجنی، محمود، ۱۳۸۹، بلاغت تصویر، چاپ دوم، نشر سخن، تهران.
- ۱۲- فرای، نورتروپ، ترجمه ارباب شیرانی، سعید، تخیل فرهیخته، ۱۳۶۳، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- ۱۳- کزازی، میر جلال الدین، ۱۳۶۷، بیان، زیبا شناسی سخن فارسی، چاپ اول، نشر ماد، تهران.
- ۱۴- کزازی، میر جلال الدین، ۱۳۸۰، در دریای دری، چاپ اول، نشر مرکز، تهران.
- ۱۵- همایی، جلال الدین، ۱۳۷۷، فنون بلاغت و صناعت ادبی، چاپ پانزدهم، نشر نیما، تهران.

